

آیادو هزار و پانصد سال پیش در اروپا «جاده قلع» وجود داشت؟

نوشته هانی شواب

اشتراک دارند که می‌توان آنها را به هم ارتباط داد. یافته‌های باستانشناسی مربوط به اواخر قرن ششم و اوایل قرن پنجم پیش از میلاد که در امتداد راه فوق از دل خاک بیرون آمده است شامل اشیایی است که از یونان و فوکایا (در آسیای صغیر) و نیز از منطقه ماریسی وارد شده بود. همه این محلها که میان بخشهای علیای رودخانه سن و گردنه

میلاد، یونانیان در نبرد آلالیا شکست خوردند و کنترل مدیترانه را از دست دادند، طوری که دیگر به مستعمره خود ماسالیا (مارسی) نیز نتوانستند برسند و مجبور شدند راه زمینی جدیدی از میان کوههای الپ برای حمل قلع مورد نیاز خویش از انگلستان پیدا کنند. آنها تا جایی که می‌شد از آبراهها، رودخانه‌ها و دریاچه‌های داخلی استفاده کردند. دشوارترین مرحله‌های سفر موقعی بود که می‌بایست اربابه‌های خود را از طریق آب انتقال دهند.

چه بسا می‌تواند آریز می‌نماید اگر خطی در نقشه اروپا رسم کنیم به‌نشانه «جاده قلع» که فقط چند نقطه پراکنده آن قابل تشخیص است. اما این نقاط که نشانگر محل کشفیات هستند (مون‌دمسوا و ویکس، برانی سورسون و قلعه سالین له‌بِن در فرانسه؛ شاتیون سور-کلان در سوئیس) انقدر مهمند و انقدر وجوه

در قرن ششم قبل از میلاد، یونانیان از قلع کورنوال برای ساختن مفرغ استفاده می‌کردند. این فلز قیمتی را با قایق در امتداد ساحل اقیانوس اطلس حمل می‌کردند و با عبور از تنگه‌های جبل طارق و پیمودن دریای مدیترانه به یونان می‌بردند. در حدود اواسط قرن ششم، کارتاژ به قدرت دریایی مهمی تبدیل شد و در ۵۴۰ پیش از میلاد با اتروسکها علیه یونانیان که در آن زمان قدرت مسلط مدیترانه بودند، پیمان بست. در ۵۳۵ پیش از

خانم هانی شواب: اهل سوئیس، استاد دانشگاه فریبورگ و عضو شورای ملی باستانشناسی سوئیس است. او کارشناس دوره نوسنگی سوئیس است و در این زمینه مقاله‌ها و پژوهشنامه‌های متعدد منتشر کرده است.

هوینبورگ، از مراکز عمده تجاری میان شمال و جنوب اروپا در حدود ۲۵۰۰ سال پیش، اکنون تپه مسطح متروکه است مشرف به دانوب (پایین‌عکس) در جنوب غربی اولم در آلمان فدرال. در عکس سمت چپ، یک آمنورای مرمت شده و تکه‌های آمنورای مکشوف در هوینبورگ را می‌بینید که ساخت ماریسی است.



این نقشه جریان تجاری متصل کننده حوضه مدیترانه به شمال اروپا را در حدود اواخر قرن ششم قبل از میلاد نشان می‌دهد. در نبود راههای مناسب، رودها و دریاچه‌ها اهمیت تجاری عظیمی پیدا می‌کردند. برخی محل‌هایی که تاکنون توسط باستان‌شناسان به قصد ردیابی راههای تجاری باستانی اروپا کاوش شده‌اند در مراکز بارگیری و تخلیه‌ای واقع شده‌اند که از آنجا به بعد رودخانه قابل کشتیرانی نبود و محموله را می‌بایست از قایق به اراجه یا برعکس منتقل کرد.

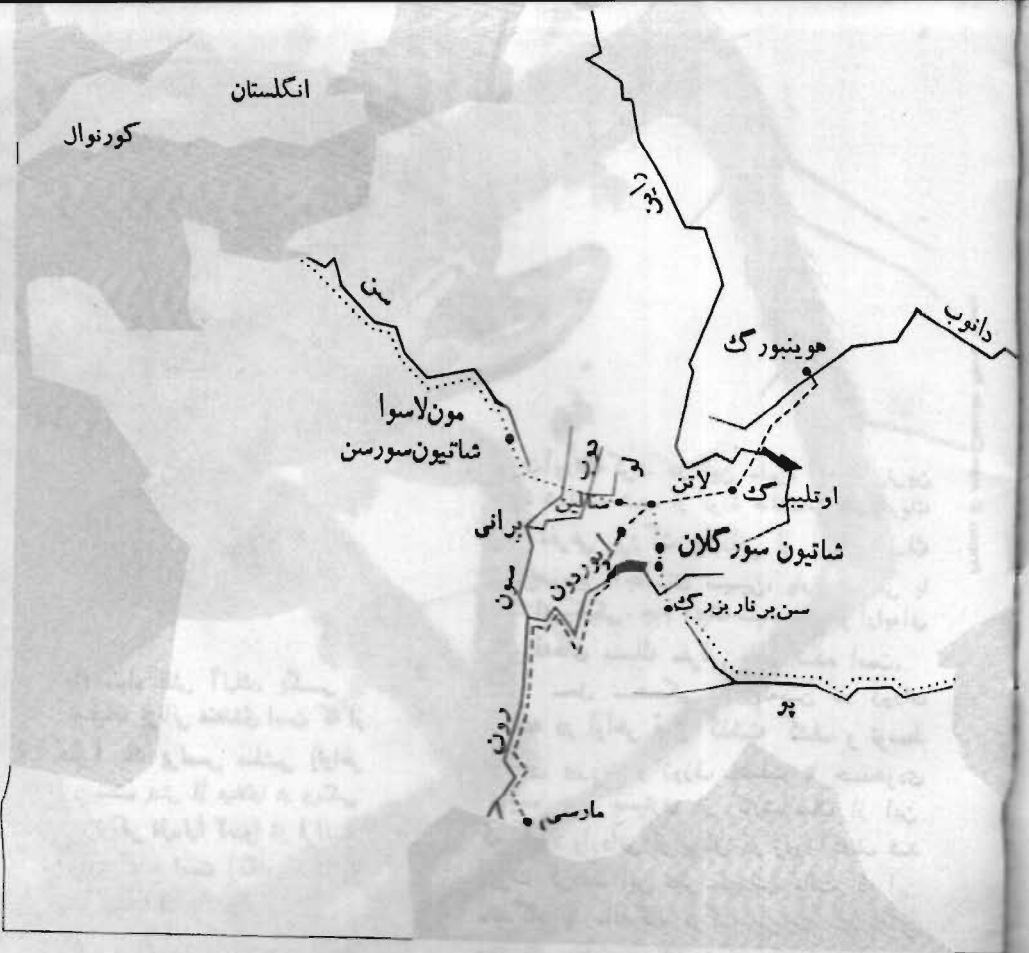


Photo © Hanni Schwab, Fribourg, Switzerland
Unesco Courier Map



عرضه می‌کردند. کشف نمونه‌هایی از این ظرف «شبه فوکایایی» در شاتیون سورگلان موید این است که در روزگار باستان این محل نه تنها با شرق مدیترانه بلکه با جنوب فرانسه نیز در امتداد راهی که تاکنون به درستی مشخص نشده پیوند تجاری داشته است.

ست چپ : قطعه‌ای از يك سفالینه‌را که در سالهای اخیر با اشیایی دیگر در شاتیون سورگلان در نزدیکی فریبورگ سویس کشف شده است نشان می‌دهد که این محل مستحکم نقش تجاری مهمی در اوایل عصر آهن اروپا بازی کرده است. یافته‌ها به نحوی شگفت‌انگیز مشابه آثار مکشوف در بزرگ‌ترین قلعه‌ای و منزلگاههای راه تجاری میان شرق حوضه مدیترانه و جزایر بریتانیا، سالیله‌بن و کوه لاسوا در فرانسه هستند (به نقشه نگاه کنید). در بالا تکه‌ای از سفال سیاه نقش آتیک و در پایین قطعه‌ای از يك ظرف شبه‌فوکایایی را می‌بینید. فوکایا مادر شهر بسیاری از ماندگاههای یونانی و از جمله ماسیلیا (مارسی) بود. در اواخر قرن ششم قبل از میلاد، صنعتگران مارسی ظروفی سفالی به تقلید از ظروف فوکایایی به بازار اروپا



سورگلان که اخیراً در دره سارین کشف شد، خارج از این خط راست میان دریاچه ژنو و رود راین قرار دارد. از منطقه سه دریاچه ژورا و دره سفلی آر نیز خارج است. بنابراین، این محل با راه تجاری مارسی به هوینبورگ مستقیماً ارتباط ندارد. این پرسش پیش می‌آید که آیا محل شاتیون سورگلان بر مسیری تجاری واقع بود که از طریق گردنه سن‌برنارد بزرگ فرانسه را به یونان وصل می‌کرد؟
دره سالیله راست‌ترین راه به‌سن‌برنارد بزرگ از فلات سویس است، چرا که در امتداد کناره شمالی دریاچه ژنو در دوران پیش از تاریخ و بعد از تاریخ، معبر زمینی دیگری وجود نداشت. صخره‌های دریاچه عبور را ناممکن می‌ساخت. اگر این مانع صخره‌ای در نزدیکی قلعه شیون در جنوب موترو نبود، راحت‌ترین و مستقیم‌ترین راه میان سالیله و پونتاریله به سن‌برنارد بزرگ همانا مسیر کولدولایون، اورب، کرانه شمالی دریاچه

بیشتر این محل‌های نقل و انتقال کالا، جاهایی بودند که رودخانه برای عبور کشتیهای نسبتاً بزرگ، دیگر مناسب نبود. رود دانوب تا هوینبورگ، رود سن تا ویکس در نزدیکی شاتیون سورسون، و رود سارین تا اوپور در نزدیکی شاتیون سورگلان قابل کشتیرانی است (به نقشه نگاه کنید). از طرف دیگر، برای سورسون در تقاطع رودهای سون و دوب قرار دارد که هر دو از این جا به‌بالا باز هم قابل کشتیرانی‌اند. رود لو که امتداد شرقی رود دوب به‌طرف کوه‌های ژورا است، تا بندر لرنی در نزدیکی سالیله‌بن قابل کشتیرانی است.
اشیایی که در منطقه مارسی کشف شده است (عمدتاً کوزه شراب) در هوینبورگ نیز کشف شده است. بزرگراهی تجاری که منطقه مارسی را به دانوب علیا وصل می‌کرد، بی‌شک از فلات سویس می‌گذشت. ایوردون، لانتن، و اوتلیبرگ در نزدیکی زوریخ در این مسیر ژنو به راین قرار دارند. محل مستحکم شاتیون

سن‌برنارد بزرگ واقعند، در دوره‌ای واحد (حدود ۵۴۰ پیش از میلاد) اشغال و در زمانی واحد (حدود ۴۸۰ پیش از میلاد) تخلیه شدند.
این محل‌ها پایگاه تجاری بودند و در آنها قلع و کالاهای دیگر را از یک وسیله حمل و نقل به وسیله‌ی دیگر منتقل می‌کردند. از آنجا که خطر زدی در لحظه انتقال بار، بیش از موقع حمل بار با قایق، گازی یا حیوانات بارکش بود، برقراری امنیت برای جابه‌جایی کالا ضرورت داشت. این امنیت را در اواخر دوره هالشتات اربابان محلی برقرار کردند. [دوره هالشتات که ناشی از محلی باستانی در اتریش گرفته شده است به‌اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن در اروپای مرکزی و غربی برمی‌گردد که از حدود ۳۰۰۰ سال قبل شروع و به حدود ۵۰۰ سال قبل ختم می‌شود].
قلعه فتودالی مهمی در هوینبورگ بر مایرب مایا که در نزدیکی ده سر سال به طرد منظم دیده شده است.



جام سیاه نقش آتیک، یکی از کشفیات یونانی متعددی است که از مقبره یک پرنس سلسله (اواخر قرن ششم پیش از میلاد) در ویکس در نزدیکی دژ-تپه لاسوا در فرانسه بیرون آمده است (نگاه کنید به نقشه صفحه قبل).

Photo © Giraudon, Paris

این ظرف گرانمای مفرغی (جام یا گلدان) که سی سال قبل در ویکس کشف شده، چشمگیرترین اثر در تایید فعالیت شدید اقتصادی میان شمال اروپا و جهان یونانی در ۲۵۰۰ سال پیش است. ۱۶۶۴ متر بلندی و ۴۰۸ کیلوگرم وزن دارد و ساخته دست صنعتگران یونانی است. «گلدان ویکس» (بایین) اکنون در موزه شاتیون سورسن در چند کیلومتری محل کشف نگهداری می‌شود.

Photo © Giraudon, Paris



زنو والی سفلا بود. در پیش از تاریخ بعد از تاریخ، وجود مانع فوق، پیدا کردن راهی از طریق والدوتراور، منطقه سه دریاچه فلات غربی سویس، دره سارین، کول دموسس به سوی والی را ضروری می‌ساخت. به همین دلیل است که محل شاتیون سورگلان از راههای مهم متأخرتر، فاصله دارد.

این محل را یک باستانشناس آماتور در سال ۱۹۲۴ کشف کرد. وجود سفالینه‌های آتیک که به تصاویر سیاه اراسته شده و فیبولاها یعنی بستها و سنجاچه‌های مفرغی متعلق به اواخر دوره هالشتات به ما اجازه می‌دهد که این محل را که در قسمت شرقی دارای خندق و استحکامات خاکی است متعلق به اواخر اولین عصر آهن بدانیم. یک رشته حفاری بسیار محدود اکتشافی مؤید این فرضیه بوده که این محل از قلاع امیرنشین اواخر دوره هالشتات بوده است. وجود حلقه‌های فراگیر از خاکریزها نیز که بزرگترین آنها در جنگل مونکور ۸۵ متر قطر و ۱۰ متر ارتفاع دارد مؤید همین امر است. اشیاء باستانی مکشوف در شاتیون-

سورگلان شامل تعداد زیادی کالاهای وارداتی است، مثل تکه‌هایی از تنگهای شراب ماسیلیایی، شبه فوکایایی، و شبه یونانیایی. همچنین حدود چهل تکه سفالینه آتیک مزین به نقشهای سیاه یافت شده که ساخته یونان است و نیز تکه‌هایی از جامها و گلدانهای ساخت اتروسکا از منطقه استه در شمال ایتالیا. تعداد زیادی کوزه ساخته شده روی چرخ کوزه‌گری و نیز اشیاء آهنی و مفرغی هم کشف شده که گواه بر وجود کارگاههایی در قلعه-هاست. محلهای هالشتاتی که عمدتاً خاکریز-هایی مدفونند، در هر دو جانب رود سارین و در دره علیای این رود به کثرت یافت می‌شوند. بر تپه بوادورد در شمال شرقی بول، یک محل مستحکم وجود دارد که در دامنه‌اش خاکریزی به ارتفاع ۱۳ متر قد برافراشته است و مانند خود قلعه هنوز کاوش نشده است. در قسمتهای بالاتر دره سارین، در کراندویار، چند خاکریز مدفون دوره هالشتات در قرن اخیر ویران شد.

محل مستحکم واقع در مونلاسوا طی کاوشهای متعدد تا حدودی واری شده است. در آنجا اشیاء بسیار جالبی کشف شده که برخی‌شان در موزه شاتیون سورسن نگهداری می‌شود. کوزه‌های آتیک مزین به نقشهای سیاه که از یونان وارد می‌شد و تکه‌های متعدد آموورهای ماسیلیایی از اهمیت ویژه برخوردارند. رنه ژوفرو، باستانشناسی که این محل را در سال ۱۹۵۳ کشف

حیرت‌آوری کرد. در این مقبره که غنی‌ترین مقبره شناخته شده از دوره هالشتات است، یک پیاله مفرغی بزرگ وارداتی از یونان، یک نیمتاج زرین، جامهای سیمین، پارچ مفرغی با منشا اتروسکی، جام آتیک سیاه نقش و ارابه‌ای با ورقه‌های مشبک مفرغی یافت شده است.

محل مستحکم سالیله‌بن در ژورای فرانسه در اواخر قرن گذشته کشف و توسط مورس بیروت و ژوزف دشل تا حدودی کاویده شد. بسیاری از کارشناسان از این که کوزه وارداتی از یونان در ژورا کشف شد حیرت کردند. این نظر مقبولیت یافت که این ماندگاه با ماندگاه فوکایایی در ماریس مناسبی داشته است. اشیاء مکشوفه با آنها یکی که در کوه لاسوا در شاتیون سورگلان کشف شده بود شباهت داشت. تنها فرقی که مشاهده شد وجود سفالینه‌های یونانی سرخ نقش بود.

محل برانی سورسون که قدمت آن به اواخر دوره هالشتات می‌رسد در سال ۱۹۶۸ کشف شد. از آن زمان تا کنون در این منطقه کاوشهای امدادی متعدد صورت گرفته است که به یک رشته اکتشافات چشمگیر منجر شده است. از جمله فیبولاهایی کشف شد که مشابه اشیاء مکشوفه در ماندگاههای پیشگفته است. همچنین سفالینه‌های آتیک با نقشهای سیاه و کوزه-های شبه فوکایایی کشف شده است. کارگاههای آهن‌گذاری نیز کشف شده است. تا کنون در برانی هیچ قلعه‌ای کشف نشده است که نشانه‌ای از سکونت یک امیر در آن دیده شود. اما این محل در فضایی باز بود که امتداد استحکاماتی مشابه قلعه هوینبورگ به حساب می‌آید. در جنگل شاتیون، نزدیک فریبورگ در سویس، یافته‌های پراکنده‌ای چون قراضه‌های آهنی و مسی گواه بر وجود کارگاههایی در سکونتگاههای خارج از خندق و استحکامات است.

در حال حاضر، نمی‌دانیم که فرمانروایان امیرنشینهایی که در آنها بر نقل و انتقال کالا نظارت می‌شد متنفذانی بودند که هدایایی دریافت می‌کردند یا مستعمره‌سازان یونانی بودند که کارشان برقراری امنیت عبور کالا از نواحی مختلف بود. اما می‌توان گفت که مناسبات اربابهای امیرنشینها و رهبران محلی عالی بوده است؛ گواه آن کمیت عظیم اشیاء وارداتی مکشوفه در مقبره‌هاست.

فرضیه وجود جاده قلعه که در اینجا مطرح کردیم، بر شواهدی مبتنی است که هنوز ناکاملند. برعهده پژوهشگران بعدی است که با کاوشها و اکتشافهای خود مهر تایید هائی نتوانند.